

# شیوه نامه

## علیرضا هدائی

### یک. شیوه نگارش کلمات

۱. کلمات دارای چند جزء، جدا از هم نوشته می‌شوند: نگاه‌داشتن، دانشسرای‌عالی، مردم‌گرایی، عمل‌گرایانه.
۲. «اعداد»، «که» (حرف ربط)، «چه» (ضمیر صفت پرسشی و تعجبی)، «این» و «آن» (صفت اشاره) جدا نوشته می‌شوند: آن کس، یک روز، ای دوست، چه گویم، چه کار کنم، در صورتی که، در حالی که، این گونه (به معنای «این نوع»).
- \* اگر «این» و «آن» برای اشاره نباشند چسبیده نوشته می‌شوند: اینجا، آنجا، اینکه، آنکه (حتی به معنای «آن کس که»)، اینگونه (به معنای «اینچنین»)، بدینگونه، بدینسان (اما استثناء: بدین ترتیب، از این رو).
- \* «چه» در کلماتی نظیر «چرا، چنان، چقدر، چطور، چگونه» چسبیده نوشته می‌شود (اما «چه را» به معنای «چه چیز را» جدا نوشته می‌شود).
- \* هر گاه «چه» و «که» با «این، آن، چنان، همچنان» ترکیب شوند باید چسبیده نوشته شوند: آنکه، اینکه، چنانکه، چنانچه، همچنانکه، همانگونه که.
۳. «را» همیشه باید جدا نوشته شود، جز در «مرا».
۴. حرف اضافه «به» جدا از اسم و ضمیر نوشته می‌شود: به خانه، به تو.
- \* «به» در اول عبارت فعلی جدا نوشته می‌شود: به کار برد، به زانو در آورد.
- نیز در میان کلمات مرکب از دو جزء، مانند: سربه‌سر، روبه‌رو، خودبه‌خود.
- نیز در متمم‌های قیدی: به سرعت، به تدریج، به آرامی، به هیچ وجه.
- \* در کلمه‌های عربی متداول در فارسی «ب» چسبیده نوشته می‌شود: بلافصل، بلاشک، بلاعارض، بلا تکلیف، مابازا، بدون.
- \* در کلماتی همچون «بدین، بدان، بدو، بجز» «ب» چسبیده نوشته می‌شود.
- \* «ب» جزء پیشین که در صورت ترکیب شدن با اسم، صفت یا قید می‌سازد چسبیده نوشته می‌شود: بخرد (خردمند)، بنام (نامی)، بجا، بخردانه.
۵. «نه» حرف ربط جدا نوشته می‌شود: نه می‌خرد نه می‌فروشد. نه حسین آمد نه علی. (قبل از آن «و» نمی‌آید: این درست است نه آن. اما در صورتی که چند چیز بر یکدیگر عطف شده باشند یا «نه» در وسط جمله و پس از فعل اصلی بیاید «و» ذکر می‌شود: این درست است، نه آن یک و نه آن دیگری.)

۶. «هم» حرف ربط جدا نوشته می‌شود: هم گفت هم رفت. هم کتاب خرید هم دفتر. در غیر این صورت به کلمه بعدی می‌چسبد: همچون، همانند.
۷. «می» و «همی» جدا از فعل نوشته می‌شوند: می‌گوید، همی‌رفت.
۸. کلمات مرکب از دو جزء مکرر، جدا از هم نوشته می‌شوند: پنج پنج، دست دست کردن.
۹. در کلمات عربی متداول در فارسی، کلمه‌های مستقل جدا نوشته می‌شوند: ان شاء الله، من جمله، مع ذلک، علی رغم.
۱۰. «چون» حرف ربط و حرف اضافه جدا نوشته می‌شود: چون پرند ... ، از بیم چون بید می‌لرزید، چون آمدی.
- \* «چون» در کلمه‌های مرکب «چونکه، چنین، چنان» چسبیده نوشته می‌شود.
۱۱. «بی» به معنای «بدون» حرف اضافه است و جدا نوشته می‌شود: بی تربیت، بی نظم و ترتیب، بی وضو، بی هدف، بی‌دست و پا، بی شک.
- \* «بی» که پیشوند نفی است و بر سر اسم یا ضمیر می‌آید و صفت مرکب می‌سازد متصل نوشته می‌شود: بیزار، بیخود، بیدل، بیکار، بیچون.
- اما اگر کلمه بعدی اینگونه «بی» با حرفی چند دندانه یا همزه شروع شود جدا نوشته می‌شود: بی‌سامان، بی‌شمار، بی‌اساس.
۱۲. «ه، ه» غیر ملفوظ جزء اول کلمات مرکب جدا از جزء بعدی نوشته می‌شود، نیز هنگام الحاق به «ها» جمع نه حذف می‌شود نه به کلمه می‌چسبد (← ۱۹): علاقه‌مند، دیوانه‌وش، گله‌مند، بهره‌ور، حيله‌ها، جامه‌ها. اما هنگام الحاق پسوند «گی» حذف می‌شود: دیوانگی.
- \* «ه، ه» ملفوظ چسبیده نوشته می‌شود: دهها، گرهما، مهوش.
۱۳. هر گاه از ترکیب دو یا چند کلمه کلمه‌ای تازه با مفهوم و معنایی دیگر غیر از مفهوم هر یک از اجزا پدید آید، کلمه جدید چسبیده نوشته می‌شود: اینجانب، بهبود، جنابعالی، چیستان، جستجو، نگهداری، نگاهداری، پنجشنبه، یکدیگر، هیچکاره، هیچکدام، هیچیک، دانشکده، صاحب‌دل، کدامیک، رویهمرفته، هیچگاه، یکدفعه (به معنای ناگهانی؛ اما اگر به این معنی نبود جدا نوشته می‌شود: حرف را یک دفعه می‌گویند. ← ۲).
- \* اگر چسبیده نوشتن اجزای کلمه مرکب باعث اشتباه یا دشواری در خواندن یا نوشتن شود یا نازیبا یا خلاف عرف به نظر آید، کلمه جدید جدا (اما نزدیک به هم) نوشته می‌شود: هم‌منزل، خشونت‌بار، کین‌توز، عدالت‌پیشه، بی‌تربیت‌تر، عدالت‌شعار، جمع‌بندی، پیش‌بینی، باستان‌شناسی، انسان‌شناسانه.
- \* هرگاه جزء دوم کلمه مرکب با «آ» آغاز شود غالباً در ترکیب، مدّ روی الف حذف می‌شود: پیشاهنگ، پیشامد، دلاویز، دلارام، هماواز؛ اما: بی‌آزار، جان‌آفرین، دانش‌آموز. (همانگونه که ملاحظه می‌شود این تفاوت بر اساس تلفظ رایج در زبان فارسی است.)

۱۴. حروف ربط مرکب، چسبیده نوشته می‌شوند: چونکه، چنانکه، همینکه، چندانکه.
۱۵. پیشوندها و پسوندها همیشه چسبیده نوشته می‌شوند: همنشین، همدل، همکار، همراهی، باغبان، مرغدان، گلزار، کشتزار (اما: هم‌منزل ← ۱۳\*).
۱۶. پسوندهای «تر» و «ترین» جدا نوشته می‌شوند: مهم‌تر، عاقل‌تر، اصولی‌ترین، سخت‌تر، جانانه‌تر، سخت‌جان‌ترین (اما: کمتر، بیشتر، بهتر).
۱۷. اجزای پیشین فعل، یعنی «ب، ن، م»، همیشه چسبیده نوشته می‌شوند: ببیند، برو، نخواند، مکن.
- \* اگر این اجزا بر سر فعلی که با «آ» آغاز شود بیایند مدّ از روی «آ» حذف و به جای آن «ی» افزوده می‌شود: بیاید، نیاراید، میاسا.
۱۸. هر گاه اجزای پیشین «ب، ن، م» بر سر افعال مُصدّر به همزه درآیند همزه تبدیل به «ی» می‌شود: بینداخت، نیفتاد.
- اگر فعل با «ای» یا «ا» شروع شود قاعده فوق جاری نمی‌شود: بایستاد، نایستاد.
۱۹. «ها» علامت جمع چسبیده نوشته می‌شود: گله‌ها، باغها (به استثنای کلمات مختوم به های غیر ملفوظ ← ۱۲؛ کلمات مرکب از چند کلمه که به یکدیگر نمی‌چسبند، مثلاً راه‌حل‌ها؛ اعلام، مثلاً فردوسی‌ها، ابن رشدی‌ها؛ یا پس از گیومه، مثلاً «کتابنامه»ها).
- \*\*\*
۲۰. نشانه اضافه در کلمات مختوم به «های غیر ملفوظ» به صورت «ه» بر بالای «ه» نوشته می‌شود: نامه او.
- \* اگر این کلمات داخل گیومه یا ایرانیک باشند نشانه اضافه به صورت «ی» بعد از گیومه می‌آید: «کتابنامه»ی فرهنگ فارسی، شاهنامه‌ی فردوسی.
۲۱. اگر کلمات مختوم به «و بیان ضمّه» مضاف واقع شوند نشانه اضافه به صورت «ی» پس از «و» می‌آید: هر دوی آنها. (اما اگر «و» جزو کلمه بود نشانه اضافه به صورت کسره می‌آید: قلمرو نفوذ.)
۲۲. اگر کلمات مختوم به مصوت‌های بلند «آ» و «اُو» یا «الف ممدوده» مضاف واقع شوند یا صفتی پس از آنها بیاید پس از مصوت، «ی» افزوده می‌شود: دانای روزگار، موی سیاه، ابتدای راه (← ۳۰).
- این «ی» هنگام افزوده شدن «ان» علامت جمع به آن کلمات نیز اضافه می‌شود: خدایان روم، آشنایان، نکویان، قالیشویان.
- \* اگر این گونه کلمات به پسوندها یا اجزایی که با مصوت بلند «ای» آغاز می‌شوند متصل شوند «ی» دیگری در میان دومصوت بلند افزوده می‌شود: دانایی، نیکویی.

۲۳. کلمات مختوم به مصوت بلند «ای» در هنگام اتصال به «ی» دیگر («ی» وحدت یا نکره) اینگونه نوشته می‌شوند: آگاهی، دیوانگی، ماهی، قاضی. (←۳۲)

- این گونه کلمات در هنگام اضافه شدن به کلمه‌ای دیگر در حکم کلمه مختوم به صامتند: ماهی دریا، آگاهی تو.

\* هرگاه مصوت بلند «ای» پس از حرف صامت «ی» بیاید کلمه اینگونه نوشته می‌شود: بوییدن، موییدن، نیین، چایی، ناین، پایین، رویین.

\*\*\*

۲۴. اسمهای خاص همانگونه که به تلفظ درمی‌آیند نوشته می‌شوند: هارون، اسماعیل، رحمان. ۲۵. در کلماتی همچون «داود، طاووس» هر دو «و» حفظ می‌شوند.

۲۶. کلمات مختوم به الف مقصوره به همان صورت عربی نوشته می‌شوند (یعنی با «ی»): معنی، هوی و هوس. اما: معنای تازه، هوای نفس) مگر اینکه در عمل به صورت لغتی فارسی درآمده باشند همچون اعلا (که در فارسی نه صفت عالی و تفضیلی بلکه به معنای «خیلی خوب» است)، بلوا (که در فارسی به معنای آشوب است)، شورا، مبتلا.

\* اسمهای خاص عربی با «ی» نوشته می‌شوند: مصطفی، مجتبی، مرتضی، کبری، صغری.

- اگر این اسمها موصوف یا مضاف واقع شوند با «ا» نوشته می‌شوند: یحیای برمکی، عیسیای مسیح.

۲۷. کلمات عربی مختوم به «ة» در فارسی با «ت» نوشته می‌شوند: زکات، حیات، تورات، مشکات.

- از این قاعده استثنا می‌شود کلمه صلوة؛ کلمات مرکب عربی مثل مشکاة الانوار؛ و اعلام مثل مشکاة الدینی.

۲۸. تنوین در تمامی کلمات به صورت «أ» نوشته می‌شود: تقریباً، نسبتاً؛ مگر کلماتی که مختوم به همزه هستند: استثناء، ابتداء.

\* می‌توان به جای کلمات تنوین‌دار عربی از کلمات فارسی استفاده کرد: به تدریج، به تقریب، به عمد، به کلی، به استثنای، در ابتدا.

۲۹. در کلماتی که صحیح خواندنشان مشکل است یا آنها را می‌توان به چند صورت خواند حتماً تشدید گذاشته می‌شود: معین (که آن را به صورت معین نیز می‌توان خواند)، مکرم. در سایر کلمات بسته به مورد می‌توان تشدید گذاشت یا نگذاشت.

\*\*\*

۳۰. در مورد رسم الخط همزه، قواعد زیر جاری است:

\* همزه عربی وقتی در آغاز کلمه باشد در حکم همزه فارسی است: اسم، اصل، اساس.

\* همزه ساکن آخر کلمه‌های عربی در فارسی حذف می‌شود: ابتدا، املا، انشا، فضلا، اقتضا؛ مگر در اصطلاحات: ابراء، قصد انشاء، خوف و رجاء.

- این کلمات هنگامی که مضاف یا موصوف واقع شوند طبق قاعده ۲۲ به آخر آنها «ی» اضافه می‌شود: ابتدای کار، انتهای راه؛ بجز در اصطلاحات: ابراء ذمه.

- و هنگامی که به «ی» وحدت یا نکره یا نسبت اضافه شوند اینگونه نوشته می‌شوند: املائی، علایی، کسایی، روشنایی.

\* همزه ساکن وسط یا آخر کلمه اگر پس از فتحه باشد روی کرسی «ا» نوشته می‌شود: رأس، باس، تألیف، مأوا.

\* همزه مفتوح ما قبل ساکن واقع در وسط کلمه اینگونه نوشته می‌شود: مسأله، جرأت، هیأت، نشأت.

\* همزه وسط کلمه اگر بین فتحه و الف باشد اینگونه نوشته می‌شود: مأخذ، لالی.

\* همزه ماقبل مضموم (چه ساکن، چه متحرک) روی «و» نوشته می‌شود: مؤمن، رؤیا، رؤسا.

\* همزه آخر کلمه اگر پس از صامت یا مصوت‌های بلند «اوی» و «ای» باشد جدا و پس از آخرین حرف کلمه نوشته می‌شود: جزء، سوء، ضوء، شیء، بطيء.

\* همزه مضموم وسط کلمه که پیش از مصوت بلند «اوی» آمده است اینگونه نوشته می‌شود: شئون، رؤف، رؤوس، مسئول.

\* همزه متحرک وسط کلمه که پیش از مصوت بلند «ای» آمده است اینگونه نوشته می‌شود: لئیم، رئیس.

\* همزه ماقبل مکسور (چه ساکن، چه متحرک) اینگونه نوشته می‌شود: بئر، ذئب، تبرئه، سیئه.

\* همزه مکسور واقع در وسط کلمه چنین نوشته می‌شود: ائمه، جوائز، فضائل، شمائل (البته در برخی کلمات می‌توان همزه را به «یه» تبدیل کرد).

\* کلماتی نظیر قرائت در هنگام جمع بسته شدن اینگونه نوشته می‌شوند: قرائات.

\* در کلمات لاتین، تمامی همزه‌های واقع در وسط کلمات، هرگونه که باشند، به صورت «ئ» نوشته می‌شوند: بئاتریس، ژئوس، پروتئین.

\* همزه «ابن» در اول کلمه باقی می‌ماند: ابن سینا؛ اما در وسط کلمه حذف می‌شود: حسین بن علی (ع).

\*\*\*

۳۱. در مورد «است» قواعد زیر جاری است:

\* «است» همیشه جدا نوشته می‌شود.

\* همزه «است» پس از کلمات مختوم به مصوت بلند «آ» و «اوی» حذف می‌شود: داناست، نیکوست. اما در این موارد حذف نمی‌شود: در کلمات مختوم به حروف غیرچسبان: محمد

است؛ در کلمات مختوم به «و بیان ضمّه»: با هر دو است (به استثنای «تو»: توست)؛ اگر مصوت داخل گیومه باشد: «دانا» است؛ و در صورتی که حذف آن موجب اشتباه در خواندن شود: گذرا است.

\* «چیسیت، کیسیت، نیسیت» همیشه به همین صورت نوشته می‌شوند.

۳۲. در مورد دیگر صیغه‌های «است»، یعنی «ام، ای، ایم، اید، اند»، قواعد زیر جاری است:

\* معمولاً همزه آنها حذف می‌شود و به کلمه می‌چسبند: بزرگم، بزرگی، بزرگیم، بزرگید، بزرگند. همینگونه است در کلمات مختوم به حروف غیرچسبان: ساده پسندم، ساده پسندی، ... نیز کلمات مختوم به «ی» صامت: درحال سعیم. همچنین پس از «ه ملفوظ»:

متوجّه.

\* پس از کلمات مختوم به مصوت بلند «آ» و «اُو» همزه به «ی» تبدیل می‌شود: توانایم، توانایی، تواناییم، توانایید، توانایند؛ سخنگویم، سخنگوییم، سخنگویید، سخنگویید.

\* در این موارد همزه آنها حذف نمی‌شود:

- پس از مصوت بلند «ای»: هنری‌ام، هنری‌ای (←۲۳)، هنری‌ایم، هنری‌اید، هنری‌اند.

- پس از «ه غیر ملفوظ»: آزاده‌ام، ...

- پس از کلمات مختوم به «و بیان ضمّه» (مثل دو، تو): باتوام، با توایم، با تواند؛ با هردوام، با هر دوایم، با هر دوایم.

۳۳. «اش»، «شان»، و «مان» ضمیر ملکی نیز از همان قواعد «ام...» پیروی می‌کنند (بنابراین: اقتصادی‌اش، هنری‌شان، اجتماعی‌مان).

۳۴. در به کار بردن فعل جمع، میان جانداران و غیرجانداران تفاوتی نیست. در عین حال، بسته به مورد، می‌توان برای غیرجانداران فعل مفرد به کار برد.

## دو. نشانه‌های سجاوندی

هر یک از نشانه‌های یاد شده فقط در موارد ذکر شده به کار می‌رود و از استعمال نشانه در دیگر موارد باید جداً پرهیز کرد.

الف. ویرگول: « ، »

۱. در پایان یک جمله که پایان نهایی مراد نیست (نیز ← ج. ۱).

۲. در آغاز و پایان کلمه یا عبارتی که به عنوان توضیح، به صورت عطف بیان یا بدل یا قید، در ضمن جمله یا عبارت دیگر آمده است: احمد، برادر مسعود، دیروز اینجا بود.

- نیز در آغاز و پایان جملات دعایی و معترضه: ملاصدرا، رحمه الله، ... (در اینگونه جملات گذاشتن ویرگول ضرورت ندارد).

۳. در میان دو کلمه که نبودن آن موجب غلط خواندن می‌شود یا احتمال می‌رود که خواننده آنها را با کسره اضافه بخواند (مثلاً: به صورت، توانگر است و به معنی، درویش)؛ نیز در مواردی که مکث لازم است (مثلاً: نه... است، بلکه...).

۴. در موردی که چند کلمه دارای یک اسناد باشند: علی، حسن، و احمد پسران او بودند. در اینگونه موارد پس از آخرین ویرگول و پیش از آخرین کلمه «و» افزوده می‌شود.

(نکته: در جملاتی همچون «به ترتیب اهمیت نه حروف الفبا» باید از افزودن «و» پیش از حرف نفی اجتناب کرد؛ بنابراین «به ترتیب اهمیت و نه حروف الفبا» غلط است.)

۵. برای جدا کردن بخشهای مختلف یک نشانی یا مرجع و مأخذ یک نوشته: تهران، خ... ک...؛ غلط ننویسیم، ابوالحسن نجفی، ...

۶. پیش از «ما»، «ولی»، «زیرا» و نظایر اینها در صورتی که جمله خیلی طولانی نباشد. اگر جمله طولانی بود بسته به نوع جمله از نقطه ویرگول (← ب. ۱) یا نقطه (← ج. ۵) استفاده می‌شود.

۷. برای جدا کردن جزا و شرط در جملات شرطی، به خصوص اگر جمله طولانی باشد، می‌توان از این نشانه استفاده کرد.

ب. نقطه ویرگول: « ؛ »

۱. برای جدا کردن جمله‌ها و عبارات متعدد یک کلام طولانی که ظاهراً مستقل اما در واقع به یکدیگر مربوطند و در خود هر یک از آن جملات ویرگول به کار رفته است.

۲. پیش از «زیرا» (یا «ما» و نظایر آن) در صورتی که جمله طولانی باشد (← الف. ۶ و ← ج. ۵).

۳. در برخی حالات در جملات توصیفی و پیش از کلماتی از قبیل «مثلاً»، «یعنی»، و «به عبارت دیگر».

۴. برای جدا کردن مأخذ از یکدیگر چنانچه در متن ذکر شوند، یا در پایان مقالات چنانچه پشت سر هم بیایند.

ج. نقطه: « . »

۱. (فقط) هنگامی که جمله کاملاً پایان گرفته و مراد نهایی بیان شده باشد. (اگر جمله خود دارای جملات کوتاه تر باشد نباید در پایان آن جملات کوتاه نقطه گذاشت. ← الف. ۱)

نکته: در متون علمی اصولاً جملات، جز در موارد ضرورت، نباید کوتاه باشند.

۲. پس از حروفی که به عنوان نشانه یا علامت اختصاری به کار رفته‌اند: س. م. ت. (سازمان مطالعه تاریخ)، م. (اگر سمت راست عدد باشد: متوفای؛ اگر سمت چپ عدد باشد: میلادی)، ه. ق. (هجری قمری)، ق. م. (قبل از میلاد)، قس. (قیاس کنید با:)، نک. (نگاه کنید به:). دو مورد اخیر اگر نه به عنوان ارجاع در پرانتز بلکه به صورت جمله در متن ذکر شده باشند نه به گونه اختصاری بلکه کامل نوشته می‌شوند: این مورد را مقایسه کنید با: .../ برای اطلاعات بیشتر در این مورد بنگرید به: ...

۳. پس از شمارهٔ ردیف یا حروف ابجد (که برای بیان ترتیب به کار رفته‌اند): ۱. ۲. ۳. الف. ب. ج.

- در موارد تقسیم بندی بر اساس اعداد، اعداد فرعی به سمت چپ عدد اصلی اضافه می‌شوند نه راست؛ مثلاً برای نشان دادن بخش اول، فصل سوم، قسمت دوم می‌نویسیم: ۱. ۳. ۲.

۴. پیش از «زیرا» اگر جمله های پیش و پس از آن طولانی باشند؛ اگر چنین نبود بر حسب مورد پیش از آن از ویرگول یا نقطه ویرگول استفاده می‌شود (← الف. ۱ و ب. ۱).

۵. برای تقطیع کلمات و نشان دادن جاهای: گ. ر. ف. ته.

د. دو نقطه: «:»

۱. پیش از نقل قول مستقیم (در نقل قول غیر مستقیم نباید از این نشانه استفاده کرد): علی گفت: «در امتحان موفق شدم.»

۲. پیش از بیان تفصیلی مطلبی که به اجمال بدان اشاره شده است: «این امر دو حالت دارد: اول، ...»؛ «این امور عبارتند از: ...» .

۳. برای ذکر معانی لغات: آشنا: شنا.

۴. در ارجاعها پس از کلمهٔ «بنگرید به»: بنگرید به: غلط ننویسیم، ...

نکته: اگر کلمهٔ «مثال» به طور مستقل از جملهٔ پیش ذکر شود پس از آن نشانهٔ دو نقطه می‌آید (در زبان فارسی فعل در آخر جمله می‌آید. مثال: علی آمد)، در غیر این صورت نه (به عنوان مثال باید اشاره کرد که ...).

ه. گیومه: « »

۱. برای نقل عین سخنان دیگران.

- اگر این سخنان در چند پاراگراف آمده باشند در ابتدای هر پاراگراف دوباره گیومه باز و فقط در آخرین پاراگراف بسته می‌شود.

- اگر نقل قولی در ضمن نقل قول دیگر بیاید داخل علامت " ' ' یا ' ' قرار داده می‌شود.

- عبارت نقل شده علائم و نشانه‌های سجاوندی خود را حفظ می‌کند. بر همین اساس، نقطهٔ پایان جمله پیش از گیومهٔ پایانی گذاشته می‌شود نه پس از آن: ارسطو می‌گوید: «جهان بر حکمت می‌گردد.»

- اگر عبارت نقل شده، در پاراگرافی جدید و با فونت متمایز و قدری وسط تر تایپ شود از گیومه استفاده نمی‌شود.

۲. برای مشخص و برجسته کردن برخی کلمات یا اصطلاحات. در این صورت نشانه‌های سجاوندی پس از گیومه گذاشته می‌شوند.

و. علامت سؤال: «؟»

۱. در آخر جملات و عبارات پرسشی: کدامیک را می‌خورید؟ این را، یا آن را؟

۲. برای بیان تردید و ابهام (در این حالت در میان پرانتز قرار داده می‌شود).

ز. علامت تعجب: «!»

۱. در پایان جملاتی که بیانگر حالات عاطفی یا نفسانی‌اند همچون تعجب، تأکید، تحسین، تحقیر، تنفر، استهزا، امر، نهی، تهدید، حسرت، آرزو، درد، دعا، تأسف، ندا، تنبّه.

ح. خط فاصله: «-»

۱. در آغاز و پایان جملهٔ معترضه در صورتی که بسیار طولانی باشد و در میان خود آن ویرگولهای متعدد به کار رفته باشد، یا در صورتی که در جملهٔ اصلی ویرگولهای متعدد به کار رفته باشد و استفاده از ویرگول برای جملهٔ معترضه موجب عدم تمایز آن شود. (← الف. ۲)

- اگر جملهٔ معترضه در آخر جمله باشد در پایان آن نه خط فاصله، بلکه نقطه گذاشته می‌شود.

۲. برای جدا کردن جملات در نمایشنامه‌ها و داستانها، یا ذکر مکالمات تلفنی. در این صورت در اول سطر گذاشته می‌شود.

۳. به جای حرف اضافهٔ «تا» در میان اعداد، از جمله تاریخها و صفحات.

- باید توجه داشت که به کار بردن این نشانه در زبان انگلیسی که از چپ به راست نوشته می‌شود هیچگونه مشکلی ایجاد نمی‌کند، اما در زبان فارسی که از راست به چپ نوشته می‌شود مشکل پیش می‌آید. معمولاً در زبان فارسی اعداد و تاریخها را، حتی در وسط متن، از چپ به راست و بعضاً به شکل اختصاری می‌نویسند، اما از آنجا که این روند بر

خلاف ساختار زبان فارسی است درست این است که در اینگونه موارد اعداد از راست به چپ و به طور کامل نوشته شوند: ۲۳۵-۲۴۱. (البته بهتر است این نشانه اساساً کنار گذاشته و از همان «تا» استفاده شود: ۲۳۵ تا ۲۴۱).

ط. سه نقطه: «...»

۱. برای نشان دادن اینکه کلمات یا جملاتی حذف شده‌اند.

- چنانچه این علامت در آخر جمله باشد به همان اکتفا می‌شود و نباید پس از آن نقطه دیگری گذاشته شود.

ی. پرانتز: «( )»

۱. برای آوردن کلمات، عبارات، یا جملات برای تبیین بیشتر.

۲. برای ارائه اطلاعات بیشتر، مثل سال تولد و وفات، یا ذکر القاب و نظایر آن.

۳. برای ذکر مأخذ در داخل متن. در چنین مواردی باید نقطه پایان جمله را پیش از پرانتز گذاشت. (← هـ ۱)

\* پیش از پرانتز اگر جمله تمام شده باشد باید نقطه گذاشت، اما اگر پرانتز دنباله مطلب قبلی باشد نقطه را باید پس از پرانتز قرار داد.

\* اگر هنگام تایپ یک منبع یا نام به زبان انگلیسی در داخل پرانتز کلمات آن به طور کامل در یک سطر جا نگرفتند طریقه صحیح قرار گرفتن پرانتزها - بر خلاف شیوه رایج - اینگونه خواهد بود (مثلاً می‌خواهیم به Oxford Advanced Learner's Dictionary ارجاع دهیم):

.... مراجعه به منابع دست اول، این مطلب را به اثبات می‌رساند (Learner's Dictionary Oxford Advanced). باید توجه داشت که word و دیگر نرم‌افزارهای مشابه نه بدین‌گونه، بلکه طبق شیوه رایج عمل می‌کنند.

ک. قلاب یا کروش: [ ]

۱. وقتی عبارتی جزء اصلی کلام نباشد و برای بیان اوضاع و احوال (قرائن حالیه) آمده باشد.

۲. در نمایشنامه‌ها برای بیان دستورهای اجرایی.

۳. در تصحیح یا ترجمه متون برای الحاق مطلبی از سوی مصحح یا مترجم.

## سه. ارجاعات

ارجاعات، چه در پاورقی ذکر شوند چه در داخل متن، باید بدینگونه باشند:

الف. اگر نام مؤلف در متن آمده است: ... پیشینه‌ای ندارد (۲)۳، ۳۲۸-۳۴۱). یعنی جلد دوم، جزء سوم، صفحات ۳۲۸ تا ۳۴۱.

ب. اگر نام مؤلف در متن نیامده است: .. پیشینه‌ای ندارد (نجفی، ۲)۳، ۳۲۸-۳۴۱). یعنی جلد دوم، جزء سوم، صفحات ۳۲۸ تا ۳۴۱.

- اگر در کل کتاب یا مقاله به چند کتاب از یک نویسنده استناد شده باشد به نام کتاب (و در صورت طولانی بودن، به گونه مختصر شده) نیز اشاره می‌شود: الطبرسی، مجمع‌البیان، ۲،

۵۵. (غربیان در اینگونه موارد به جای نام کتاب، سال چاپ آن را در پرانتز ذکر می‌کنند: ایزوتسو(۱۹۸۵)، ۲۵۷. در این موارد بین نام و سال چاپ ویرگول گذاشته نمی‌شود).

- اگر بدون واسطه شدن نام فردی دیگر دوباره مطلبی از فرد قبلی ذکر شود می‌نویسیم: (همو، ۲۵۵).

- اگر به همان جلد و صفحه ارجاع داده شده باشد می‌نویسیم: (همانجا).

- اگر بین چند نقل قول از یک شخص بیش از یک صفحه فاصله افتد، به جای نشانه‌های اختصاری (مثل همو، همانجا) باید مشخصات مجدداً ذکر شوند.

- اگر در یک مورد به چند منبع ارجاع داده شود، منابع با نقطه ویرگول از یکدیگر جدا می‌شوند.

- ارجاع به متن آیات قرآن بدین ترتیب است: ... (الانعام، ۱۴۵-۱۴۷)

نکته: ترجمه آیات پس از متن آیه و در داخل پرانتز می‌آید: ... لقوم یؤمنون (... برای گروهی که ایمان دارند. بقره، ۲۱۷). در این حالت نقطه پس از پرانتز ترجمه، نه در پایان آیه، گذاشته می‌شود. (چنانکه ملاحظه شد «ال» در اسامی سور در متن عربی آیات حفظ، و در ترجمه فارسی حذف می‌شود).

- برای چگونگی ارجاع به منابع الکترونیکی، بنگرید به: دانائی فرد، حسن، و دیگران، روش شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران، صفار، ۱۳۸۳، ۱۱۹-۱۱۶.

## چهار. کتابشناسی

در کتابشناسی پایان کتب و مقالات ابتدا تمامی مأخذ فارسی و عربی - اعم از کتاب و مقاله، یکجا و بدون اینکه تفکیک شوند - بر حسب نام خانوادگی (نه لقب مشهور) مؤلف، به ترتیب الفبایی می‌آیند. (اگر از چند کتاب یا مقاله یک نویسنده استفاده شده باشد نام کتابها و مقالات نیز به ترتیب الفبایی ذکر می‌شوند.) آنگاه مأخذ لاتین به همان ترتیب ذکر می‌شوند (در این مأخذ The ملحوظ می‌شود و در نتیجه پس از S می‌آید).

- در مأخذ عربی «ال» ملحوظ نمی‌شود، اما در ارجاع به این کتب بر خلاف شیوه رایج «ال» اسامی را می‌نویسیم؛ مثلاً: الحلی [نه حلی]، ابن ادریس، ...

- برای چگونگی ارجاع به منابع الکترونیکی، بنگرید به: دانائی فرد، حسن، و دیگران، روش شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران، صفار، ۱۳۸۳، ۱۱۹-۱۱۶.

- القاب مطلقاً در مآخذ ذکر نمی‌شوند.  
- به جای تکرار نام نویسنده در کتاب بعدی او چند خط تیره، یا یک خط ممتد حداکثر به اندازه یک سانتی متر، گذاشته می‌شود.

- اگر کتابی دو نویسنده داشته باشد پس از نام کوچک نویسنده اول، کاما و حرف عطف «و» می‌آید و پس از آن مشخصات نویسنده دوم ذکر می‌شود؛ مثلاً: احمدی، علی، و حسینی، سید احمد، ... در صورتی که نویسندگان بیش از دو نفر باشند، نام اولین فرد ذکر می‌شود و پس از نام کوچک او و کاما عبارت «و دیگران» (بدون گیومه) می‌آید؛ مثلاً: احمدی، علی، و دیگران، ...

- پس از نام خانوادگی و نام کوچک نویسنده، مشخصات کتابشناختی بدین ترتیب ذکر می‌شود: عنوان کتاب (با حروف ایرانیک)، (اگر کتاب ترجمه، تصحیح، یا... شده باشد پس از عنوان کتاب نام مترجم، مصحح، یا... با ابتدا به نام کوچک او ذکر می‌شود)، محل انتشار، ناشر، سال نشر. (این موارد با ویرگول از یکدیگر جدا می‌شوند).

- اگر محل انتشار و ... در کتاب ذکر نشده باشد به ترتیب این نشانه‌ها به جای آنها قرار داده می‌شود: بی جا، بی نا، بی تا.

- مآخذ در فهرست منابع مطلقاً شماره گذاری نمی‌شوند، و در ابتدای آنها نیز نشانه « - » نمی‌آید.

مثال:

الجبعی العاملی، زین الدین بن علی، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، تصحیح حسن صدر، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۴ ق.

— *مسالك الافهام*، تهران، نشر طه، ۱۳۷۵.

نکته: اگر در پایان یک متن (نه در کتابشناسی) فهرستی از کتب جهت مطالعه بیشتر ذکر شوند به همین گونه ذکر شده، اما به ترتیب اهمیت نه حروف الفبا می‌آیند.

- اگر منبع مورد استفاده مقاله باشد، مشخصات آن بدین گونه در فهرست منابع ذکر می‌شود: نام خانوادگی، نام، «عنوان مقاله با حروف معمولی»، نام مجله با حروف ایتالیک و سپس بدون هیچ نشانه ای شماره مجله با حروف معمولی، نشانه : ، سپس شماره صفحات.

مثال: نجفی، تقی، «داوری در فقه اسلامی»، *مطالعات اسلامی* ۵۶ : ۲۴-۲۸.

- اگر نویسنده‌ای بخشی از یک کتاب را نوشته باشد بدین ترتیب عمل می‌شود:

نام خانوادگی، نام، عنوان بخش کتاب با حروف معمولی در داخل گیومه، ذکر «در» (بدون گیومه) و سپس ذکر عنوان کتاب با حروف ایتالیک، آنگاه آوردن سایر مشخصات کتابشناختی.

مثال: علیزاده، سید حسین، «مدینه فاضله»، در *پژوهشهای فلسفی*، ...